



۲۰۲۰/۰۹/۱۰

م، نعیم بارز

ظهور اسلام!

نویسنده: ایلیاد پانو لو ویچ پطروشفسکی.

کتاب تاریخ تحقیقی علمی: «ظهور اسلام» که از اعتبار خاصی بر خور دار ست، اما نظر به صفحات زیاد مطالعه آن را از حوصله جوانان به دور دیده. لذا نکات مهمی از آنرا یاد داشت و به نشر سپردم تا از روایات غلط و داوری، شخصی و سلیقه ای کاسته شود.

۱. ظهور اسلام در عربستان از آغاز قرن هفتم میلادی با تکوین جامعه طبقاتی و شروع یک نهضت اجتماعی و سیاسی پیچیده در میان اعراب شمالی رابطه نا گسستنی دارد. اسلام به صورت لفاغه عقیدتی نهضتی در آمد که به تاسیس دولت عربی و توسعه سیاسی آن دولت تا آن سوی حدود عربستان منجر گشت.
۲. پس از فتوحات وسیع قرن هفتم میلادی به جریان عمومی فیودالیسم که در کشور های آسیای مقدم به شدت حکمفرما بوده کشانده شدند. ولی از آنجائیکه در کشور های مذکور شیوه زندگی برده داری هنوز نابود نشده بود، در میان اعراب هم معدوم نشد، بلکه بر عکس موقتاً با فتوحات ایشان رونقی بیشتر یافت. بر روی هم مناسبات فئودالی در جامعه عربی پس از فتوحات عظیم نیمه ای قرن هفتم میلادی، تکوین یافت و برده داری به صورت شیوه ای فرعی زندگی در میان ایشان محفوظ و باقی ماند.
۳. عربستان از ناحیه ثروتمند یمن راه کاروان رو، از طریق حجاز، سوریه متحد بوده و ایالات بیزانس- سوریه و فلسطین و مصر از این طریق با حبشه و هندوستان بواسطه یمن، از طریق ایران ساسانی پس از سال ۵۷۲ م شاهان آن دود مان کوشیدند تا کالا های هندوستان از طریق ایران به بیزانس حمل شود و ترانزیت از راه یمن را اجازه ندهند. بدین سبب تجارت از این طریق کاهش یافت و در این وضع و همچنین اختلافات اجتماعی و تشدید تضاد های در داخل قبایل عرب باعث بحران اجتماعی و اقتصادی در عربستان گردید.
۴. یکی از مقدس ترین اماکن متبرکه شمال عربستان همانا کعبه در مکه بوده که موجب شهرت و نفوذ این شهر بود، حیاط چهار کنجه محصور به دیوار یا صحیح تر گفته شود بیئب ویل (بیت ایل به زبان سامی «بیت ایل» یعنی خانه خدا) خدایان گونه گون یا سنگ های که به وضع عمودی گذاشته شده بودند قرار داشتند. در حدود ۳۶۰ بتان یا صنم ها که نماینده همه خدایان اعراب شمالی به حساب می رفتند، بر پا بودند. حجر الاسود (سنگ سیاه) که بعد از اسلام هم باقی و محفوظ مانده بود، در این محل قرار داشت.
۵. محمد اصلاً از خاندان هاشمی قبیله قریش بوده ، قبیله ای که مکه را در تصرف خویش داشت. عبدال مطلب جد پیامبر و پدر او که تجار و اندک ثروت داشت و به هنگام مرگ فقط پنج ایشتر و چند گوسفند و یک کنیز برای آمنه بیوه خویش به ارث گذاشت. آمنه هنگامیکه فرزندش محمد شش ساله بود در گذشت. به روایات موجود، محمد در سال ۵۷۰ یا ۵۷۱ میلادی در مکه به دنیا آمد.
۶. روایات است که محمد در حدود سال ۶۰۹ یا ۶۱۰ میلادی به دعوت و تبلیغ آغاز کرد و نخستین کسانی که به وی ایمان آوردند خدیجه همسر و دوست وفادارش و دخترانش (رقیه، ام کلسوم و فاطمه) و پسر جوان کاکایش علی بن ابی طالب بود که بعد ها با فاطمه دختر وی ازدواج کرد. زید بن حارث برده ای آزاد شده و پسر خوانده وی اسلام آورد، ابوبکر تجار ثروتمند که بعد ها خلیفه اول شد و زبیر خویشاوند محمد و سعد بن وقاص که بعد ها سرداری نامی گشت وی ایرانیان را در سال ۶۳۷ - ۱۶ هجری میلادی در قادیسیه شکست

داد و دو تجار بنام طلحه و عبدالرحمن بن عوف که بر اثر تجارت ثروت هنگفتی گرد آورده بودند، بوی ایمان آوردند. عثمان بن عمان از خاندان سرشناس امیه و قبیله قریش (خلیفه سوم که با رقیه زیبا دختر محمد ازدواج کرد) نیز اسلام آورد. در شمار نخستین کسانی که ایمان آوردند شبان و برده سابق عبدالله بن سعد تجار نیز بوده اند.

۷. چون تبلیغات محمد علیه بت پرستی برای منافع تجارتی و سیاسی مکه خطرناک بود زیرا دعوت وی ممکن بود به سقوط پرستش کعبه و «بتان» آن منجر شود و این خود مسلماً نه تنها هجوم زوار را متوقف و در عین حال بازار کعبه را کساد و مناسبات تجارتی آن شهر را با دیگر نقاط ضعیف میکرد بلکه باعث سقوط نفوذ سیاسی مکه می گردید و به این سبب بود که تجار مکه دعوت محمد را از نظر گاه منافع خویش بس خطرناک شمرده، از وی خوش نبودند و ثروتمندترین تاجر مکه یعنی ابوسفیان رئیس خاندان امویان و عمرو بن هشام سر سخت ترین دشمن محمد که پیروان محمد ابو جهل اش نامیدند. سر انجام عم محمد یعنی عبدالعزی (برده عزی) بن عبدال مطلب که پیامبر لقب ابو جهلش داده بود. یعنی (پدر شعله دوزخ) و خواهر ابو سفیان را به زنی داشت، پیامبر آتش جهنم را پس از مرگ به او وعده داده بود. فعال ترین دشمنان محمد بودند. دشمنان محمد جرات کشتن او را داشتند اما در این صورت طبق رسوم آن زمان همه افراد خاندان هاشمی به خون خواهی بر می خاستند.

پنج سال پس از نزول «وحی» نخستین و آغاز دعوت محمد شمار پیروان وی در مکه روی هم رفته در حدود یکصد و پنجا نفر بود و میان ایشان بسیاری از مردم فقیر و بردگان نیز بودند. ۸. محمد هرگز مالکیت شخصی و بردگی و برده داری را انکار و نهی نکرد بخصوص برده کردن اسیران جنگی را قانونی و مشروع می شمرده و فقط توصیه می کرده که صاحبان با آنچه (ملکت ایمانکم) بوسیله دست های شان مالک شده اند (یعنی اسیران - بنده) به ملایمت رفتار کنند.

۹. محمد تعلیمات خویش را به صورت «وحی های» که بوسیله روح از طرف خداوند به وی نازل شده به سمع شنوندگان می رسانید، شنوندگان این «وحی ها» را بر برگ خرما و قطعات مسطح استخوان و سنگ می نوشتند.

۱۰. در حدود ۶۱۵ م عم پیامبر حمزه بن عبدال مطلب که به شجاعت معروف بوده بعد ها وی به لقب «اسد الله و اسد الرسول» ملقب گردید و عمر بن الخطاب که مرد جوان ۲۶ ساله و فعال و جدی بود، بعد ها خلیفه دوم اسلام آوردند، بویژه اسلام آوردن عمر واجد اهمیت بود.

۱۱. پس از مرگ خدیجه و عم او ابو طالب که رئیس خاندان هاشمی بود، ریاست خاندان به ابو الهب که از محمد و مسلمانان متنفر بود، افتاد در این زمان موقف خراب شده و کمتر از خانه بیرون می آمد تا از ایزا و آزار و توهین ایمن باشد. پیامبر به این نتیجه رسید که دیگر اقامت در مکه صلاح نیست به اتفاق پیروان به وحه طایف هجرت کرد و با پسر خوانده خویش زید بن حارسه به آنجا رفت ولی با سنگ و کلوخ استقبال شد و به ناچار بازگشت. ولی محمد با این حال در وحه یسرب (مدینه) دوستانی یافت و ایشان از مردمان مقیم اسکان یافته و زراعت پیشه قبیله های اوس و خزرج بودند، که از بزرگان ثروتمند مکه متنفر بودند. سبب این تنفر تا حدی خصومت های قدیمی قبیله ای بود ضمناً علت دیگر این بود که بسیاری از دهقانان مدینه از ربا خوار ی و سود خواران و تجار مکه مقروض بودند، افراد قبیله های اوس و خزرج محمد را که دشمن اشراف و تجار مکه بود متحد طبیعی خویش می شمرند و بدین قرار دو بار (بین سال ۶۲۰ و ۶۲۲ میلادی سال هجرت در بیا بان عقبه، بین محمد و اصحاب او از یک طرف و اوسیان و خزرجیان از طرف دیگر ملاقات دست داد، پیمانی میان ایشان و محمد بسته شد که با سوگند استوار گردید.

اوسیان و خزرجیان تعهد کردند محمد و دیگر مسلمانان را در مدینه بپذیرند از ایشان در صورت لزوم سلاح بکف حمایت و دفاع کنند. روایت است که مذاکرات به وساطت عم پیغمبر، یعنی عباس بن عبدال مطلب صورت گرفت. عباس بر عکس اکثر هاشمیان فقیر تجار ثروتمند بود و در کار وان های مکیان شرکت می جست و پول نقره به وام می داد و ربح می گرفت و باغ و تاکستانی در طایف داشت، حق فروش آب چاه زمزم به

زائران مکه از آن وی بود. عباس در آن زمان هنوز اسلام نیاورده بود ولی می کوشید در ضمن حال مناسبات حسنه ای با طرفداران و مخالفان اسلام داشته باشد.

وی سر خاندان عباسی بود (بعد ها سلاله عباسی، عباسیان از ۷۵۰ تا ۱۲۵۸ میلادی ۱۵۲ هجری تا ۶۵۶ هجری خلافت کردند.

۱۲. دسته دسته یکصد و پنجا و چهار نفر به مدینه هجرت کردند، محمد، ابوبکر و علی بعد از دیگران نقل مکان کردند. کسانی که به اتفاق محمد از مکه به مدینه نقل مکان کردند مهاجر نامیده شدند. (کلمه عربی «انصار» مفرد آن ناصر است به معنی یار و مددگار از ریشه «نصر» به معنی یاری کردن دفاع کردن از ...) عقیده غالب بر آن است که هجرت در ۸ ربیع الاول (طبق گاهنامه قمری مسلمانان = ۲۰ سپتمبر سال ۶۲۲ میلادی وقوع یافت.

۱۳. در مدینه می بایست نسبت به ادیان شیوه مدارایی کامل معمول باشد. محمد اصل «لا اکرافی الدین را علم کرد (قران سوره ۱۲ ایئه ۲۵۶ مفصلاً شرح داده شده است) حقوق مسلمانان و یهودیان و مسیحیان و بت پرستان یکسان شناخته شد و همه می توانستند آزادانه در دین خاص خویش استوار باشند و اعمال آن را بر گذار کنند. ولی بسیاری از او شان و خزرجیان به طیب خاطر مسلمان شدند.

در مدینه جامعه دینی اسلامی شکل سازمان یافته تری پیدا کرد. تشریفات عمده و اصلی دینی معلوم و برقرار شد. نخستین مسجد احداث گردید که به خانه محمد متصل بود، مسجد نه تنها نماز خانه بود بلکه محل جلسات عمومی و پذیرایی های (سفیران و دیگران) نیز شمرده می شد. ساعات قرار نماز های روزانه مقرر و معین گشت. محمد در نماز وظیفه امام را ایفا می کرد، نخستین مؤذن نیز معین شده و برده بلال حبشی به این سمت منصوب گردید. وظیفه وی این بود که آذان که آذان گوید و مومنان را به نماز فرا خواند. قواعد وضو و غسل و روزه معین و مقرر گشت.

۱۴. محمد پس از آنکه با اصحاب خویش به مدینه هجرت کرد، قصد ترک مبارزه علیه بزرگان بت پرست مکه را نداشت، ظاهراً ایشان اندیشیدند که عملیات تجارتي مکيان را بوسیله قطع طریق کاروانی که از مکه به سوریه وجود داشت و از نزدیکی مدینه می گذشت فلج کنند.

در آغاز سال دوم هجرت ۶۲۳ میلادی مسلمانان به کاروان مکه حمله کرده اموال آن را به غنیمت بردند. سال بعد حمله مسلمانان مدینه به کاروان مکه که از سوریه باز می گشت، به صورت پیکاری واقعی در آمد که به غزوه بدر معروف است. مارچ سال ۶۲۴ میلادی سال سوم هجری.)

مکيان در این نبرد شکست خوردند جمعی از ایشان هلاک شدند و گروهی نیز اسیر گشتند. در میان کشته شدگان ابو جهل سرسخت ترین دشمن اسلام و حنظله پسر ابوسفیان و عده ای دیگر دیده می شدند، چند تن از اسیران را که از دشمنان سرسخت اسلام بودند هلاک ساختند و دیگر اسرا یا اسلام را پذیرفتند یا در برابر سر بها (فدیه) آزاد شدند. در این نبرد عباس عم محمد که نام برده شد در صفوف بت پرستان مکی قرار داشت، پیکاری می کرد و به اسارت مسلمانان در آمد. وی را آزاد کردند و به مکه رفت و ظاهراً علت آزادی این بود که با موافقت محمد عاملی خفیه مسلمین را عهده گرفته بود.

روایت است که در غزوه بدر ۳۱۷ مسلمانان علیه ۶۰۰ مکی جنگیدند، فقط دو یا سه تن از مسلمانان اسب داشتند و سایرین یا پیاده بودند یا شتر سوار. محمد غنیمت جنگی را به طوری تقسیم کرد که به هر سوار سه برابر دیگران رسید و خمس غنائم مختص پیامبر و خانواده او و یتیمان و فقیران گردید.

به گفته پیغمبر این شیوه تقسیم غنیمت به او «وحی» شده بود. این نبرد واجد اهمیت عظیمی بود، شخص محمد در نقاط بسیاری دور از مدینه متهور شده نفوذ وی در مدینه تقریباً نا محدود گشت.

در سال چهارم هجری ۶۲۵ میلادی یعنی سال بعد مسلمانان بار دیگر به کاروان مکيان حمله بردند، ابوسفیان در جواب سه هزار نفر از جنگیان را علیه مدینه رهبری کرد، از ۱۰۰۰ تن مسلمان که علیه این عده وارد کارزار شدند قریب ۳۰۰ تن از منافقان به مدینه باز گشتند و دیگر مسلمانان در کوه اوحد شکست خوردند.

در این نبرد «اسدالله» حمزه عم پیامبر مقتول شد ولی مکيان از پیروزی خویش بهره گرفتند و حتی برای تصرف مدینه کوششی به عمل نیاوردند و به منازل خویش باز گشتند. شکست به نفاذ کلام محمد و حیثیت او زبانی نرسانید. او علت ناکامی را فقدان انتظامات و خیانت منافقان دانست.

در سال ۶۲۷ میلادی سال ششم هجری ابو سفیان لشکری عظیمی علیه مدینه به راه انداخت، گویا مرکب از ده هزار نفر که در آن گذشته از چهار هزار مکی و جنگ جویان قبایل متحد مکيان، عده ای از مزدوران حبشی

نیز شرکت داشتند. خطر بزرگی مدینه را تهدید میکرد ولی محمد و اصحاب او در ظرف مدت شش روز خندقی به دور مدینه احداث کردند و سنگر ساختند. روایت است که این شیوه دفاع را سلمان فارس که ایرانی و سابقاً اسیر شده به بردگی در آمده و اسلام را پذیرفته بود و یکی از صحابه نزدیک پیامبر بود، به ایشان آموخت.

لشکر دشمنان اسلام مدینه را محاصره کردند و قبیله یهودی بنی قریظه کمک شان کردند ولی میان محاصره کنندگان اختلافاتی آغاز شد و دسته جات مکی که ابوسفیان در رأس ایشان بود، پس از سه هفته لشکر گاه را خالی کرده رفتند.

در سال ۶۲۸ میلادی سال هفتم هجری پیغمبر به عنوان بر گزاری حج به اتفاق ۱۵۰۰ تن از صاحبه عازم مکه شد ولی با دستجات مسلح مکی رو به رو گشت. پس از مذاکرات طولانی که با سران قریش به عمل آمد پیمان (عربی بیعت که به معنی پیمان بستن است) در حدیبیه به شرح زیر با مکیان منعقد نمود، جنگ ده ساله متارکه شود، مسلمانان حق داشته باشند بدون اسلحه به زیارت مکه روند (فقط حمل شمشیر مجاز بود) محمد تعهد کرد به کار وان های مکیان حمله نکند، در این پیمان محمد پیغمبر نامیده شده بود.

شخص ابو سفیان درست در آمد وی و اعضای خاندان بنی امیه و بزرگان طرفدار او نه تنها موقعیت ممتاز خویش را در مکه حفظ نمودند، بلکه در میان سران دولت عربی اسلامی نقش برجسته ای را بازی کردند.

در حدود ۱۴ سال بعد عثمان بن عفان که یکی از اعضای خاندان اموی بود، در رأس دولت مزبور قرار گرفت و قریب پانزده سال آن ، بعد از معاویه فرزند ابو سفیان دیرین دودمان اموی (بنی امیه) را به عنوان حکام خلافت عربی بنیان نهاد. خویشاوندان و هوا خواهان ابو سفیان به تمام معنی اعراب و حد اکثر از منافع فتوحات بزرگ اعراب بهره گرفتند و اراضی جدیدی را در سوریه و دیگر نواحی به انضمام روستاییان متصرف و مقیم اراضی تصاحب کردند و بردگان بسیار و اموال گونه گون از غنائم جنگی بدست آوردند.

۱۵. محمد در هنگام مرگ خویش ۹ زن داشت و بر روی هم در مدت حیات ۱۴ زن گرفت. به استثنای کنیزان، محرک این امر بیشتر عقیده دیرین اعراب بود، ولی انگیزه ازدواج وی با دختر ابوبکر ، حفصه، دختر عمر ، بعد ها ام حبیبه دختر ابوسفیان و آنان غیر از این نبود که رواست باهم رزمان ویا متحدانی که اتحاد با ایشان ضروری بود. روابط شخصی خویش را با پیوند ازدواج استوار سازد.

وی عقیده داشت که خداوند او را که پیغمبر است مجاز ساخته تا عده ای زن گیرد. قران سوره ۲۳ آیه ۵۰) ۱۶. محمد زود پیر شد. در بهار سال ۶۳۲ میلادی سال دهم هجری (آخرین حج را از مدینه به مکه برگزار کرد، ولی در تابستان همان سال بستری شد و در ۱۲ ربیع الاول و بنابر صفر شیعیه در ۲۸ سال یازدهم هجری (۸ جون سال ۶۳۲ میلادی) پدرو حیات گفت. دستوری پس از مرگ خویش باقی نگذاشته بود. ظاهراً نه او و نه صحابه وی انتظار نداشتند که مرگ به این زودی به سراغش آید. وی را در مدینه بخاک سپردند، مدفن وی بعد ها زیارتگاه دوم بعد از (کعبه) و مکان متبرک مسلمانان گشت.

ظهور مذاهب سنی و شیعه و خوارج!

پس از مرگ ناگهانی محمد مناقشاتی میان مهاجران و انصار در گرفت که به وساطت و بر اثر نفوذ کلمه عمر رفع شد. در مدینه هر دو طرف ابوبکر را به سمت رئیس جامعه

اسلامی و در عین حال رئیس دولت عربی شناختند. ابوبکر به عنوان خلیفه یعنی جانشین پیغمبر تعیین شد. حدود سی سال را دوران خلفای چهار گانه در بر گرفت. ابوبکر از ۱۱ تا ۱۳ هجری و عمر اول ابن الخطاب ۱ هجری و ۳ تا ۲۴ و عثمان بن مرحله عهد فتوحات بزرگ اعراب بوده است، این پیروزی ها بر اثر جنگ هایی که از ۶۰۴ تا ۶۲۸ میلادی میان ایران ساسانی و بیزانس (روم شرقی) جریان داشت و هر دو طرف را ضعیف و فرسوده کرده بود. پایان



[برای مطالب دیگر این نویسنده ، اینجا کلیک نمایید.](#)